



وضعیت ترانه آسیب‌سازنده است و باعث شده آن‌هایی که هیچ استعدادی در این زمینه ندارند به ترانه‌سرایی روی آورند.

عبدالجبار کاکایی نیز معتقد است که بازار عرضه ترانه تا حدی آشفته است اما وی تأکید می‌کند که در این میان گروهی هم هستند که کارهای مناسبی را عرضه می‌کنند. وی افزود: با وجود پیشرفت‌هایی که در این زمینه شاهد بوده ایم لازم است که این حوزه پالایش شود. کاکایی درباره علت این «پالایش» گفت: الان خیلی هادر این گستره کار می‌کنند. کسانی که از شعر چیزی نمی‌دانند حتی وزن و قافیه را هم بلد نیستند.

### ■ نظرات: آری یانه

آیاراهی به جز نظارت برای ارتقای ترانه وجود دارد؟ کاکایی در پاسخ به این پرسش گفت: بله، راهش نه در نظارت بیشتر بلکه در تغییر دیدگاه مدیران فرهنگی کشور نهفته است. شاعر «زنبیلی از ترانه» با بیان این که اصل رقابت را باید جایگزین «نظارت» کرد افزود: کشور ما کشوری است که سیاست‌های فرهنگی مشخص و تعریف شده‌ای دارد. به عبارتی معیارها و خطوط قرمز آن تا حد زیادی مشخص است. بنابراین تا وقتی که کار هادر دست افراد غیرمتخصص باشد در همین پاشنه می‌چرخد. اما کسی که موسیقی و شعر را بشناسد؛ این دغدغه‌ها را ندارد. الان در کشور‌های اروپایی و دیگر کشورها از موسیقی پاپ برای تلطیف جامعه استفاده می‌کنند. آن‌ها برای این که خشم جامعه را تخلیه کنند از این موسیقی بهره می‌برند. برای نمونه وقتی آمریکا می‌خواهد به کشوری حمله کند؛ کنسرت‌های بزرگ ضد جنگ تشکیل می‌شود. هنرمندان و مردم به این وسیله اعتراض خود را اعلانی می‌کنند. این کار از نظر سازو کار اجتماعی مهم است. از این ظرفیت‌ها می‌توان درست استفاده کرد؛ در همه زمینه‌ها باید این کار را کرد.

### ■ کارشناسی چه معنایی دارد؟

سعید بیابانکی بر این باور است که نظارت و کارشناسی ترانه امری ضروری است و این کار به ارتقای سطح کیفی ترانه‌ها کمک می‌کند. به نظری نمی‌توان به هر کسی اجازه داد هر محصول فرهنگی که می‌خواهد تولید کند؛ چون نه جامعه و نه نظام چنین چیزی را بر نمی‌تابد بنابراین اعمال محدودیت‌های حداقلی لازم و ضروری است؛ اما کاکایی در این زمینه دیدگاه متفاوتی دارد. وی با بیان این که کارشناسی در فضای فرهنگی معنایی ندارد گفت: مهم‌ترین مسئله برچیدن نظارت‌ها و کارشناسی‌هاست. به نظر من در فضای فرهنگی کارشناسی معنایی ندارد؛ چون کسی نمی‌خواهد برای خودش مشکل درست کند و اگر هم کسی کاری انجام داد که خارج از عرف و نرم جامعه بود

حرفه‌ای نبودند. جوانانی بودند که با گوش کردن به ترانه‌ها، ترانه‌سر شده بودند و عموماً وزن و قافیه و دیگر ابزار شعر را نمی‌شناختند. حتی اگر جمله را درست نمی‌شناختند و رفتار حرفه‌ای بازی را نمی‌دانستند. در این زمان آثاری در سطح وسیع منتشر شد که با وجود کم‌مایگی و حتی بی‌مایگی در زمینه ترانه چون دارای ملودی‌های زیبا و اجراهای خوب بودند، مورد توجه واقع شدند. این مسئله باعث شد که بعضی‌ها همین ضعف‌ها را بهانه کنند و بر سر ترانه پاپ بکوبند؛ اما در این میان، ترانه‌سرایان خوبی مثل سیدسعید احمدی، افشین بدالهی و اهورا ایمان، توانستند نمونه‌های خوبی ارائه کنند که هم دارای ارزش ادبی و هم ارزش موسیقایی بودند.

این آثار در تیتراژهای تلویزیونی و در آلبوم‌ها خودنمایی کرد و تلاش‌هایی که در مجموع صورت گرفت، ترانه را به یک هویت مستقل و تازه رسانده است.

### ■ وضعیت کنونی ترانه

مدیر دفتر ترانه و سرود حوزه هنری، وضعیت کنونی ترانه را از جهاتی نگران‌کننده می‌داند؛ وی در این باره گفت: بسیاری از آثاری که با عنوان ترانه تولید می‌شوند هم از نظر زبان و هم از نظر محتوا، سطح نازلی دارند. بیابانکی این موضوع را ناشی از این می‌داند که عده‌ای تنها هدفشان از سرودن ترانه کسب منفعت مادی است و این‌ها کسانی هستند که فکر می‌کنند ترانه سرایی کار ساده‌ای است و با کسانی هستند که مدتی شعر گفته‌اند و احتمالاً موفقیتی هم داشته‌اند و حالا سعی دارند با سرودن ترانه به نوابی برسند. نویسنده «ضد حالات» سپس با بیان این که این ترانه‌ها از نظر محتوا بسیار سطحی هستند افزود: باید دلایل این امر بررسی شود که چرا ترانه‌های کنونی گرایش خاصی پیدا کرده‌اند و دیگر از محتوای عمیق و اصیل در آن‌ها خبری نیست. وی در ادامه افزود: به نظر من علت این امر می‌تواند این باشد که نگاه به کارهای هنری در سال‌های اخیر سخت‌گیرانه بوده است. بیابانکی نقش شرکت‌های تولیدکننده آلبوم‌های موسیقی را هم در ضعف ترانه موثر دانست و در این باره گفت: برخی شرکت‌های متصدی این امر، در زمینه انتخاب ترانه حساسیت یا وسواسی ندارند و به نظر می‌رسد که هر چه را به دستشان می‌رسد برای تأیید و تصویب به‌شورا می‌فرستند. در حالی که این افراد باید در این زمینه خودشان صلاحیت نقد و نظارت را داشته باشند.

شاعر «نامه‌های کوفی» انگیزه برخی شاعران را در گرایش به ترانه‌سرایی شهرت‌طلبی دانست و در این باره گفت: بعضی از شاعران هدفشان این است که به اصطلاح یک شبه به شهرت برسند و می‌خواهند از طریق سرودن یک ترانه و اجرای آن توسط یک خواننده مشهور آرزوی خود را محقق کنند. این نوع انگیزه‌ها به

قابل پیگیری است. این درست نیست که کسانی دور یک میز بنشینند و در مورد یک اثر آن‌هم قبل از این که تولید بشود نظر بدهند.

### ■ چه کسی باید نظارت کند

آیا این امکان وجود دارد که هیچ نظارتی اعمال نشود و آیا بهتر نیست که نظارت‌ها و کارشناسی‌ها به اهل فن سپرده شود؟ کاکایی این موضوع را تأیید می‌کند که کارشناسی می‌تواند توسط نخبگان و خبرگان هر عرصه‌ای صورت گیرد. به نظر وی اگر کسی اهلیت داشته باشد، به طور طبیعی سعه صدر هم دارد. اما وی با تأکید بر این که بهتر است فضای فرهنگی جامعه خودش آثار را تلطیف کند افزود: ممکن است باز کردن فضا اول مشکلات و دشواری‌هایی داشته باشد. اما به تدریج این فضا غنی می‌شود و جامعه خود به خود کار ضعیف را رد می‌کند، آن وقت است که بر سر کار خوب و ارزشمند رقابت صورت می‌گیرد. این تجربه را بسیاری از کشورها داشته‌اند که جامعه را باید برای این مسائل تربیت کرد.

یعنی باید با نظارت و کنترل را از دوش دولتمردان برداشت.

### ■ کارشناسی حداقلی

شاید دیدگاه‌های این دو کارشناس و مسئول عرصه هنری کشور درباره «کارشناسی» آثار هنری متفاوت به نظر برسد اما بیابانکی به کارشناسی حداقلی معتقد است و به کلی آن را از ممیزی متفاوت می‌داند؛ بنابراین با توجه به حاکمیت اعتدال در فضای فرهنگی کشور امید است که در عمل هم این کارشناسی‌ها و نظارت‌ها در خدمت رشد و اعتلای ترانه باشد، نه این که همچون مانعی بر سر راه بالندگی آن قرار گیرد.